

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی‌رغبتی جوانان شهری به ازدواج (مورد مطالعه: شهر تهران)

محمدصادق مهدوی^۱، علیرضا کلدی^۲، بهاره جمند^۳

چکیده:

هدف این تحقیق شناسایی مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر روابط پیش از ازدواج است که منجر به کاهش رغبت جوانان به ازدواج است. پژوهش حاضر مبتنی بر رهیافت کمی‌گرا و روش پیمایش است. جامعه‌ی آماری این تحقیق، شامل تمامی افراد در محدوده‌ی سنی ۲۰ تا ۲۴ سال ۴۵-۴۹ ساله‌ی ساکن شهر تهران هستند و حجم نمونه بر مبنای فرمول کوکران ۳۸۴ مشخص گردید. بنابراین تعداد ۳۸۴ پرسشنامه به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای توزیع شده است. مدل نظری این تحقیق تلفیقی از رویکرد نظری اینگلهارت، عادت واره و میدان بوردیو، فضاهای ارتباطی هابرماس، کاشت باور گرینر و رویکرد نوگرایانه‌ی گیدنز و اولریش بک است. فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از اینکه بین متغیرهای مستقل پژوهش: نگرش مادی فرد، نگرش برابری جنسیتی، نگرش خانوادگی فرد به روابط پیش از ازدواج، نگرش دوستان فرد به روابط پیش از ازدواج، میزان فردگرایی، میزان تجددگرایی، میزان بی‌اعتمادی اجتماعی، میزان پابندی به اعتقادات و ارزش‌های مذهبی، میزان حضور در فضاهای مجازی، میزان ارتباط با جنس مخالف در فضای مجازی، میزان کاربرد رسانه‌های جمعی و بی‌رغبتی جوانان به ازدواج متغیر وابسته‌ی پژوهش رابطه وجود دارد. به این ترتیب پژوهش حاضر ده فرضیه دارد که بر

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، نویسنده مسئول msmahdavi@sbu.ac.ir

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران drkaldi@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

bjamand@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱۵

تاریخ وصول: ۹۴/۱۱/۱۱

مبنای یافته‌های توصیفی و استنباطی متغیرهای فوق‌قادر به تبیین ۵۴ درصد از واریانس متغیر بی‌رغبتی به ازدواج می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: نگرش مادی، نگرش برابری جنسیتی، دینداری، بی‌اعتمادی اجتماعی، فردگرایی، تجددگرایی، بی‌رغبتی به ازدواج.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحول در ساختارهای فرهنگی _ اجتماعی آهنگی شتابان داشته است. آثار این تغییرات را می‌توان در تمام عرصه‌های حیات اجتماعی و فردی و بیش از همه در حیات خانوادگی افراد مشاهده کرد. مهاجرت‌های فزاینده به شهرها، افزایش حضور زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، تقابل ارزش‌های سنتی با خواسته‌های نوپای مدرنیته و... صرف‌نظر از اینکه پیامد انتقال جمعیتی هستند یا نتیجه‌ی انقلاب تکنولوژیک، ماحصل گسترش وسایل ارتباطی دوران معاصر هستند یا ره‌آورد تحولات اقتصادی و سیاسی، بیش از همه سبک زندگی جوانان را تحت تأثیر قرار داده و به ظهور پدیده‌هایی نو در ساختار کلان اجتماعی منجر شده‌اند. شهرها به عنوان مهمترین عرصه‌های تعاملات اجتماعی و بستر شکل‌گیری کنشهای اجتماعی مستعد پدیدارسازی روابطی نو هستند. الگوهای از روابط اجتماعی که در بطن سنتهای کهن اجتماعی یا ارزشهای دیرپای مذهبی پذیرفته نمی‌شوند و تقابل و تضادهای متنوع اجتماعی را نیز در پی خواهند داشت. در میان روابط اجتماعی نامبرده شده روابط بین دو جنس در سراسر دنیا و از جنبه‌های گوناگون همواره موضوعی در خور توجه و بررسی بوده است؛ بویژه زمانی که این ارتباط پیش از ازدواج برقرار می‌شود، به دلیل پیچیدگی‌های رابطه، اهداف، شرایط و انگیزه‌های طرفین و نوع شخصیت و جنسیت افراد نتایج و نیازهای متفاوتی را تعقیب می‌نماید. با توجه به تجربیات غرب و روندهای اجتماعی که در قبال روابط پیش از ازدواج در آن جوامع پدید آمده، به نظر می‌رسد پدایش و رواج روابطی از این دست تأثیرات ساختاری بر بسیاری از نهادهای اجتماعی داشته و می‌تواند به مرور نهاد خانواده

و ازدواج را با چالش‌هایی عمیق و ریشه‌ای مواجه کند (کانگر و کرافورد^۱، ۲۰۰۴: ۱۰۴) که از آن جمله می‌توان به بالا رفتن سن ازدواج و بی‌میلی به ازدواج (چو و شین^۲ ۱۹۹۶: ۱۰۹ و اعزازی، ۱۳۸۶: ۱۲) کاهش نرخ ازدواج (آماتو^۳، ۲۰۰۴: به نقل از تاجبخش و دانش‌فر، ۱۳۹۲: ۵۶۹). تغییر نقش زنان در روابط بین دو جنس (گوتیرز-دومنه^۴، ۲۰۰۸: ۸۹ و ویلیامز^۵، ۲۰۰۷: ۱۹ به نقل از عظیمی هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۸۴) و رواج روابط پیش از ازدواج (شوکلا و کوپدیا^۶، ۲۰۰۷: ۳۹) اشاره نمود. از سوی دیگر گسترش روابط آزادانه‌ی دختر و پسر، برای جامعه‌ی ما پدیده‌ای جدید و نوپدید است به طوری که در هیچ دوره‌ای بدین گستردگی (چه در سطح رفتار و چه در شیوه‌ی نگرش) دیده نشده و الگوهای این روابط در فرهنگ، باورهای دینی و مذهبی و ارزش‌های اصیل ایرانی هیچ جایگاهی ندارد و این در حالی است که هم‌اکنون بیش از ۱۴ میلیون دختر و پسر ایرانی در سن ازدواج قرار دارند و فاصله‌ی ده ساله بین «بلوغ جنسی» و «بلوغ اقتصادی» را تجربه می‌کنند. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱: ۴۴ و شاه‌آبادی و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰) همچنین حدود ۳۰ تا ۷۰ درصد از نوجوانان و جوانان ایرانی به نوعی با مسأله‌ی ارتباط با جنس مخالف درگیر هستند و چالش‌های متعدد را پشت سر می‌گذارند. (غفاری، ۱۳۹۰: ۴۴) از آنجا که این مسأله در سطح خرد (برای خود فرد) و در سطح میانی (برای خانواده‌ها و روابط میان فردی آن‌ها با یکدیگر) و در سطح کلان (برای سایر نهادها و کل کشور) و نیز در فضاهای شهری (که افراد مبنای مناسبات و تعاملات خود را بر گمنامی و ناآشنایی استوار می‌سازند و فرصت کسب تجربه‌های متنوعی را دارند بدون ترس از طرد شدن از نظام اجتماعی مطلوب) ارتباط میان دو جنس آسیب‌های گسترده‌تری را در پی خواهد داشت. همچنین در غیاب حضور دائمی خانواده‌ها و عدم کنترل و نظارت آن‌ها پیامدهای مهمتری کیان خانواده‌ها را تهدید خواهد کرد. علاوه بر آن با توجه به حساسیت‌های

1-Cungerand Crawford

2- Choe and Shin

3- Amato

4- Gutierrez and Domenech

5- willims

6- Shukla and Kopadia

جامعه‌ی ایرانی - اسلامی ما و نیز کمبود پژوهش‌های علمی در این زمینه نیاز به انجام چنین پژوهش‌هایی بر کسی پوشیده نیست زیرا با شناخت و دریافت نگرش‌ها و ارزش‌های جوانان نسبت به مسئله‌ی روابط پنهان پیش از ازدواج می‌توان، مقوله‌ی بی‌میلی آن‌ها به تشکیل خانواده و ازدواج را تبیین نمود. بنابراین پرسش اصلی که در اینجا مطرح می‌شود عبارت است از اینکه امروزه مهمترین عوامل اجتماعی مؤثر در روابط پیش از ازدواج که منجر به کاهش تمایل جوانان به ازدواج است کدامند؟ و نگرش جوانان به اینگونه روابط چگونه است. بنابراین با توجه به پراکندگی و گسترش فضاهای شهری و پراکندگی بیشتر آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهرها، شهر تهران و مناطق ۲۲ گانه‌ی آن به عنوان بستر مطالعاتی این پژوهش برگزیده شده است.

پیشینه تحقیق

شوازی و همکاران (۱۳۸۶) پژوهش بررسی رابطه‌ی جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه‌ی روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج را در سال ۱۳۸۵ صورت داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که نگرش و سوگیری دختران به روابط پیش از ازدواج با متغیرهای اولویت‌های ارزشی، باورهای دینی، پایبندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان نگرش خانواده، تحصیلات پدر و مادر، دانشگاه و محل تحصیل و برخی ابزارهای رسانه‌ای، همبستگی معناداری داشته، در این میان مؤثرترین متغیر پایبندی به ارزش‌های دینی بوده است. آزاد ارمکی و شریفی ثانی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی و روابط جنسی آنومیک در ایران را در سال ۱۳۹۰ انجام داده‌اند. پژوهش مذکور به دنبال کشف عوامل اجتماعی مؤثر، در بروز و شکل‌گیری روابط است. این تحقیق، یک پژوهش با رویکرد کیفی است. یافته‌ها نشان می‌دادند که مواردی چون احساس نیاز، کسب تجربه، شبکه‌ی روابط اجتماعی و گروه‌های دوستی سوژه، بیکاری و شرایط اقتصادی، فشار فرهنگی، افزایش سن ازدواج، افزایش تکنولوژی‌های ارتباطی نوین و پیدایش ارزش‌های جدید فرهنگی در جامعه، از جمله مهمترین عوامل پیدایش و گسترش این روابط هستند. جمیلی کهنه شهری و نصر

اصفهانی مقاله‌ای با عنوان بررسی انتقادی مطالعه‌ی تفاوت‌های جنسیتی جوانان در زمینه‌ی روابط صمیمانه را در سال ۱۳۹۲ به رشته‌ی تحریر در آوردند. این پژوهش بر مبنای نظریه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی و با روش پیمایشی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند زنان و مردان مورد مطالعه در بعضی از متغیرها از جمله نحوه‌ی آشنایی، میزان صمیمیت با جنس مخالف و دلایل قطع روابط دوستانه دارای تفاوت‌های معنا داری می‌باشند. شاه‌آبادی و سلیمانی پژوهش بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج را در سال ۱۳۹۱ انجام داده‌اند. آنها از دیدگاه‌های جرج لوینگر^۱ و همکارانش و نظریه‌ی شکل‌گیری ارتباطات چند مرحله‌ای استفاده نموده‌اند و با روش پیمایشی و انتخاب نمونه‌ای ۲۴۰ نفری از دانشجویان دانشگاه یزد صورت گرفته است. به گمان یافته‌های تحقیق، از نگاه دانشجویان ارتباطات با جنس مخالف پیش از ازدواج، بخشی از فرآیند عادی زندگی تلقی شده و می‌توان این روابط را با درک نیازهای متقابل طرفین به یک رابطه‌ی نظام‌مند تبدیل نمود که در جهت تخلیه‌ی عاطفی هر دو طرف و کسب مهارت‌های متعالی‌تر ارتباطی صورت می‌گیرند. مقریان، هاشمیان و غلامی پژوهشی را با عنوان تجددگرایی و روابط پیش از ازدواج، پژوهشی مقایسه‌ای در بین زنان مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران در سال ۱۳۹۰ به انجام رسانیده‌اند. این پژوهش با استفاده از تئوری‌های جهانی شدن گیدنز، دگرگونی فرهنگی و ارزشی اینگلهارت انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند بین میزان گرایش افراد به تجددگرایی و بی‌هنجاری و تساهل در روابط متقابل بین دو جنس و متغیرهایی چون استفاده از ماهواره و حضور در شبکه‌های اجتماعی رابطه‌ای معنادار دیده می‌شود.

وود^۲ و دیگران در سال (۲۰۰۲) در تحقیقی به مطالعه تأثیر والدین، رسانه‌ها، آموزش و همسالان در آگاهی نوجوانان در مورد دوستی‌های عاشقانه پرداخته‌اند. از بین متغیرهای فوق دوستان و آموزش‌های جنسی نقش بیشتری را در اطلاع دادن به نوجوانان از روابط عاشقانه داشته‌اند. والدین اطلاعات درست و صحیحی ارائه کرده بودند و دوستان

1- Levinger

2-Wood

بیشترین نفوذ را بر انتخاب قرار عاشقانه داشتند. دختران بیشترین اطلاعات را از والدین و رسانه‌ها گرفته بودند اما پسران در کسب اطلاعات بیشترین اهمیت را به شریکان قرار خود (دوست دخترهایشان) به عنوان منابع اطلاعاتی می‌دادند. (شوازی و موحد، ۱۳۸۶: ۳۸)

هندریک^۱ و هندریک در سال ۱۹۹۵ نگرش افراد نسبت به تمایلات جنسی و برقراری روابط عاشقانه را در سه مقطع زمانی (۱۹۸۸ و ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳) در میان ۱۰۹۰ پاسخگو بررسی نمودند. تحلیل داده‌های آنها وجود تفاوت‌های جنسیتی در عشق و تمایلات جنسی را نشان می‌داد. همچنین زنان بیشتر به عشق مبتنی بر دوستی تمایل داشتند و مردان به عشق مبتنی بر بازی-نقش. نگرش جنسیتی زنان نیز آنها را مسؤولیت‌پذیرتر، عرفی‌تر و آرمان‌گراتر و البته محافظه‌کارتر می‌نمود. در حالی که مردان آسان‌گیرتر، ابزاری‌تر و دارای جهت‌گیری‌های قدرت - کنترل می‌باشند. (گوتیرز و دامنه، ۲۰۰۸: ۹۳)

فیلینگ و کوهن^۲ در سال ۲۰۱۲ پژوهشی با عنوان بررسی رابطه میان هم‌خانگی^۳ (پیش از ازدواج) و انحلال ازدواج را انجام داده‌اند. پرسش اصلی این دو محقق این است که چرا همیشه یک همبستگی مثبت و قوی بین هم‌خانگی پیش از ازدواج و انحلال ازدواج وجود دارد، در حالی که یکی از دلایل ابتدایی همخانه‌ها برای تن دادن به رابطه‌ی صمیمانه و جنسی پیش از ازدواج ارزیابی سازگاری زوجین و ماندگاری و تداوم رابطه‌ی آنهاست؟ آنها بر مبنای داده‌هایی که در سال‌های (۲۰۰۶-۲۰۰۸) از طریق طرح بررسی بین‌المللی رشد خانواده‌ها به دست آورده بودند دریافتند که شاخص هم‌خوابگی و ارتباطات جنسی مردان و زنان با بی‌ثباتی زناشویی آنها در ارتباط است در حالی که پیش از برقراری رابطه‌ی آنها به یک زناشویی پایدار و متعهدانه امیدوار بودند و حتی طرح‌های منظمی برای ازدواجشان در نظر می‌پروریدند. (علی تبار و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۱)

یافته‌های تجربی در این مقاله نشان می‌دهد در مطالعات صورت گرفته بعضاً متغیرهای

1- Handrick and Handrick
2- Filling and Cohen
3- Cohabitation

محدودی مورد تحلیل قرار می‌گیرند که نمی‌توانند به درستی مسأله را پوشش دهند. در این پژوهش سعی خواهد شد متغیرهای بیشتری در نظر گرفته شوند. همچنین برخی از مطالعات نشان می‌دهند که در میان تحقیقات صورت گرفته شکاف‌های متعددی از نظر کاربست تئوریها و اتکا بر چارچوبهای نظری و ارتباط آنها با متغیرها و فرضیه‌ها نیز وجود دارد که محققان این تحقیق با توجه به امکانات پژوهش به دنبال برطرف ساختن آنها می‌باشند و با استفاده از چارچوب نظری انتخاب شده، تلفیقی مناسب از رویکردهای نظری مطلوب برای سنجش نگرش پاسخگویان درباره‌ی روابط پیش از ازدواج پرداخته به تبیین چرایی و چگونگی آن هم پرداخته شود. همچنین در یافته‌های پیشین خلا تبیینی مسأله و یافته‌های آماری به دست آمده نیز احساس می‌شد. از سوی دیگر نوع نگرش و تحلیل محققان در مطالعات خارج از ایران بدون در نظر گرفتن حساسیتهای ارزشی و نگرش مذهبی داخل کشور صورت گرفته‌اند و عمده‌ی مطالعات بر هم‌خانگی به عنوان سبک و شیوه‌ی جدیدی از زندگی مشترک متمرکز شده‌اند. بنابراین از نظر تحلیلی مقوله‌ی روابط پیش از ازدواج با نتایج پسینی آن و پیامدهای احتمالی چون باروریهای ناخواسته و زوال ازدواج مورد تبیین قرار می‌گیرند بنابراین در این تحقیق فارغ از شکل رابطه به چگونگی شکل‌گیری و معنایابی روابط بین دو جنس پرداخته می‌شود و اثر آن بر بی‌رغبتی جوانان تبیین می‌گردد.

مبانی نظری پژوهش

در زمینه‌ی روابطی پیش از ازدواج میان دو جنس دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متعارضی دیده می‌شود. برخی از صاحب‌نظران معتقدند معاشرت و ارتباطات دختر و پسر پیش از ازدواج، ارزشی مدرن، عقلانی و سکولار است و صرفاً باید از منظر دین و باورهای مذهبی و ایستارهای اخلاقی به آن نگریسته شود. هر ویولوژ^۱ تأکید می‌کند گسترش حد و مرزهای روابط بین دو جنس، لزوماً بر پایان دین و دینداری دلالت نمی‌کند بلکه به بازسازی وسیع و باز تعریف گسترده در زمینه‌ی نهادهای اعتقادی اشاره می‌نماید.

(هر ویولوژ، ۲۰۰۱: ۱۱۳) از دیدگاه شرلین،^۱ تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده‌ی اجتماعی را تغییر داده‌اند، به طوری که افراد نمی‌توانند به درک مطلوبی از ازدواج، چگونگی رویارویی با آن و پایداری روابط زناشویی برسند. بنابراین ازدواج برای دختران و پسران از حالت عرف مطلوب اجتماعی به یک دوستی و همدمی و مجالست نسبتاً بادوام تبدیل شده است. به تعبیر استرانگ^۲ نیز حقیقت نهفته در پس روابط رو به گسترش زنان و مردان، غیررسمی شدن ازدواج، در چارچوب پوشش‌هایی همچون هم‌خانگی و روابط جنسی خارج از تعهدات حقیقی و حقوقی تشکیل خانواده و دوستی‌های با دوام می‌باشد. (با کمی دخل و تصرف، استرانگ، ۲۰۰۸: ۳۲۷-۳۲۸) با لحاظ کردن برداشت‌های گوناگون الگوهای پنهان معاشرتی در این پژوهش عبارت است از تبادل هر نوع پیامی اعم از اشاره‌ای، زبانی و بدنی و ... میان دو جنس مخالف که صبغه‌ی جنسی داشته و قبل از ازدواج رخ دهد. (قاسمی، ۱۳۸۳: ۹۶ و سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶: ۱۴)

در دیدگاه‌های نظری گوناگون به دلیل ماهیت پیچیده و چند بعدی پدیده‌های اجتماعی - انسانی و نیز تکثر رویکردهای نظری که به تبیین و بررسی آن‌ها می‌پردازند. رویکرد نوسازی به عنوان یکی از مهمترین حوزه‌های جامعه‌شناسی می‌تواند تبیین مناسبی از گذار جوامع سنتی به مدرن ارائه نماید. به گونه‌ای که ضمن تبیین آثار نوسازی و مدرنیته در سطوح خرد و کلان و میانی، تغییرات و دگرگونی ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوی رفتارهای اجتماعی را نیز تبیین نماید. (باومن^۳، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۹) به تعبیر گیدنز در عصر مدرن بازاندیشی^۴ مداوم در همه‌ی عرصه‌های زندگی اتفاق می‌افتد. در جریان نوسازی در سطح کلان تغییراتی همچون افزایش شهرنشینی، کاهش نفوذ خویشاوندی، گسترش تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی^۵، افزایش دانش عمومی افراد و گسترده‌ی

1 - Sherlin

2- Strong

3- Bouman

4- reflexivity

5- The new communication and information Technologies (ICT)

اشتغال زنان بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود و این تغییر کارکردها، شبکه‌های اجتماعی را جایگزین روابط خویشاوندی تضعیف شده می‌نماید. (قانع‌ی راد و عزلتی مقدم، ۱۳۸۹: ۶۸-۱۶۷) بنابراین نگرش‌های فردگرایانه جایگزین نگرش‌های جمع‌گرایانه شده قواعد نوپدید و متغایر با سنت‌های خانوادگی به بی‌سازمانی خانوادگی منتهی خواهد شد بنابراین فردمحوری جایگزین خانواده‌محوری می‌شود. انسان عصر مدرن در یک بی‌اعتمادی گسترده به سر می‌برد و در عین حال به تعبیر اولریش بک^۱ محدودیت‌ها و جبرهای پیرامونش را می‌شکند ولی در دام مخاطراتی پیچیده‌تر گرفتار می‌شود. انسان فردگرای امروزی به مدد تکنولوژی‌های نوین از مکان و موقعیت‌های محلی، از زمان و مکان به سادگی کنده می‌شود، می‌تواند پیوندهای شخصی گسسته خود را از حصار مکان و زمان برهاند بنابراین در جریان نوسازی و گذار از نظم سنتی به مدرن، در مدرنیته‌ی متأخر سنت‌ها و ارزش‌های دیرپای گذشته تضعیف شده و افراد همواره در معرض ارزش‌ها و هنجارهایی نوظهور و بعضاً غیر بومی قرار می‌گیرند. فرآیند نوگرایی در جوامع بشری مصداق‌هایی همچون رسانه‌های همگانی، اعتماد، دوستی، تغییر پذیری مزمن، نظام‌های تخصصی فنی و پزشکی، خطر کردن دائمی، ازدواج و طلاق، خویش‌نمایی، خودمانی‌گری در رفاقت و هویت‌طلبی و رابطه‌های ناب دارند که همگی در جامعه‌ی جدید تغییر کرده‌اند. (بک، ۱۳۸۸: ۲۷) مقوله‌ی نوگرایی و تجددگرایی مفاهیم متعددی چون بی‌اعتمادی اجتماعی، فردگرایی و مخاطره‌پذیری را دربردارند. یکی از مهمترین آفت‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز،^۲ ۱۳۸۸:

1-Ulrich,Beck

2-Giddens

۴۴) به عقیده‌ی هابرماس^۱، گسترش فضاها‌ی عمومی، امکان تعامل با قدرت برابر را به کنشگران عقلانی می‌دهد گسترده‌ی فضاها‌ی مجازی و گمنامی در آن فضاها امکان برقراری کنش‌های ارتباطی را فراهم می‌آورد. نفوذ مدرنیته با گسترش آزادیهای فردی و اجتماعی، افزایش فضاها‌ی ارتباطی، و دنیایی شدن^۲، تغییر در ارزشهای اجتماعی، تفوق ارزشهای فردگرایانه، تنوع روزافزون سبک زندگی و تأثیرات ناهمگون بر عاداتها، ارزشها و تصورات، شیوه‌های اندیشه و فاصله‌گیری فزاینده از کدهای رفتاری مبتنی بر مذهب و تعهد و سنت انجامیده است. فردی شدن روابط افراد، ذره‌ای شدن خانواده و از دست رفتن جایگاه مسؤلیت‌پذیری و تعهد اجتماعی، شکل‌گیری الگوهای جدیدی از روابط بین دو جنس را در پی خواهد داشت. روند رو به رشد نوگرایی در جامعه‌ی ایرانی، به صورت دسترسی بیشتر به شبکه‌های اجتماعی، افزایش حضور زنان در حوزه‌های عمومی، کم‌رنگ شدن هنجارها و باورمندیهای مذهبی، تغییر در نگرشهای جنسیتی، افزایش استفاده از رسانه‌ها و تغییر در ارتباطات دختران و پسران و به وجود آمدن شکلهای جدیدی از خانواده‌ها ادامه می‌یابد. که نظریه‌پردازی و پژوهش در این زمینه را ضرورت می‌بخشد. گمان نگارندگان این پژوهش فاصله‌ی بین «بلوغ جنسی» و «بلوغ اقتصادی» در ایران به بیش از ده سال رسیده و روز به روز افزایش می‌یابد و این در حالی است که هنوز تنها راه مشروع برقراری رابطه‌ی جنسی در ایران ازدواج است؛ راهی که امروزه با اضطرار و دشواری همراه است و این وضعیت دشواری دستیابی به این هدف مطلوب اجتماعی را به همراه دارد. بنابراین الگوهای جدیدی از روابط جنسی در بین جوانان شایع شده است. اگرچه این روابط با انگیزه‌های گوناگون و در قالب الگوهای متعددی، از افراطی‌ترین شکل آن هم‌خانگی و ازدواج سفید تا دوستی‌های ساده را در بر می‌گیرد. تبیین سازوکار شکل‌گیری روابط بین دو جنس ماحصل تعامل متقابل مجموعه‌ای از عوامل کلان مانند تجربه‌ی نوگرایی و جهانی شدن، عوامل میانی چون نگرش خانواده و گروه همسالان و تغییر ساختارهای اجتماعی و ارزشی و عوامل خردی

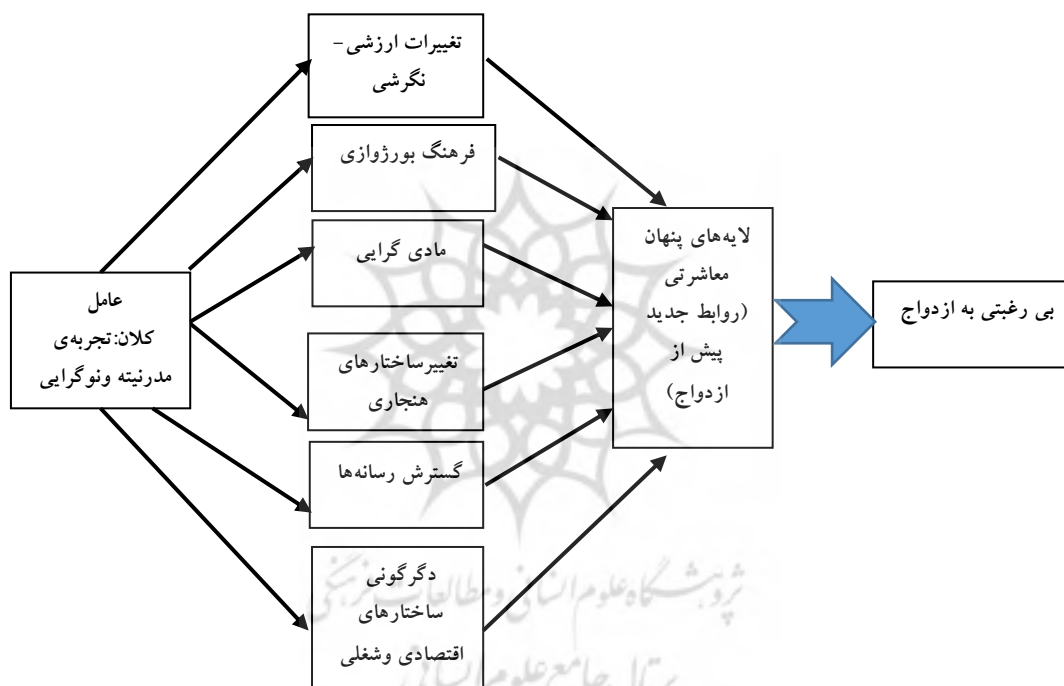
1-Habermas

2-Secularism

چون افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی، تمایلات فردگرایانه و نوگرایانه و تجددخواهی است. روند این تعامل پیچیده، چند مرحله‌ای و درهم تنیده و متأثر بر یکدیگر است. که در مدل تحلیلی زیر شرح چارچوب نظری در قالب مفاهیم صورت بندی شده‌ی آن ارائه می‌گردد.

مدل تحلیلی کلان پژوهش:

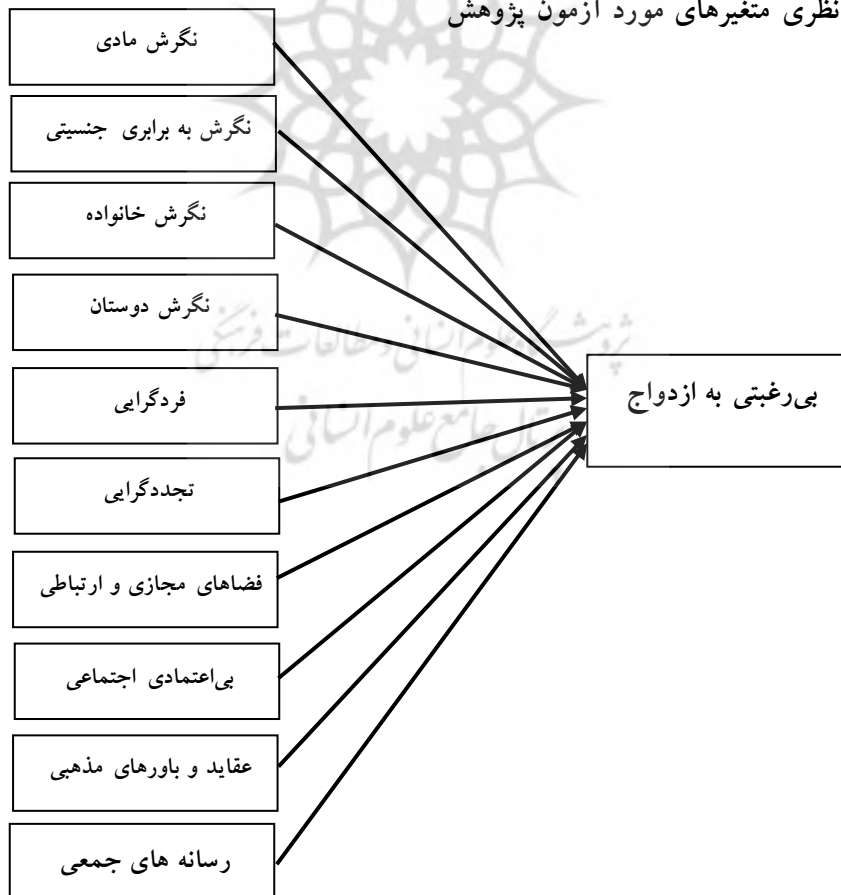
مدل تحلیلی کلان پژوهش



در بررسی رویکردهای نظری متغیرهای کلان و میانی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. مدرنیته با مجموعه‌ای از عناصر و مؤلفه‌های نظری خود به عنوان یکی از مهمترین نظریه‌های جامعه‌شناسی گذار جوامع از نظم سنتی به نظم مدرن را در سطوح کلان، میانی و خرد تبیین می‌نماید و تغییرات آن را در بین تمامی گروه‌ها در چارچوب دگرگونی ارزش‌ها و انتظارات و خواسته‌ها بیان می‌کند. (ازکیا، ۱۳۸۴: ۲۶) در نتیجه خانواده‌محوری به فرد محوری تبدیل می‌شود. اگرچه مهمترین مشخصه‌ی جوامع مدرن

امکان انتخاب آنهاست، این امکان در رابطه با سبک و شیوه‌ی زندگی افراد می‌تواند موجب رهایی آنها از محدودیت‌ها و جبرهای پیرامونشان باشد. در حیطه‌ی نهاد ازدواج و تشکیل خانواده، فرآیند نوسازی با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های افراد همراه می‌شود به طوری‌که در دنیای مدرن دایره‌های انتخاب همسر وحتى شریک جنسی هر شخص، به تناسب نگرش‌ها و ارزش‌هایی که دارد تعیین می‌شود. بدین ترتیب بر مبنای رویکرد نوسازی با گسترش فردمحوری و واگذاری کارکردهای خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر، گسترش فرصت‌های شغلی و تحصیلی (بویژه برای زنان)، تغییر ساختارهای سنی و جنسی جمعیت، ایده‌ها و ارزش‌های جدیدی در رابطه با تشکیل خانواده مطرح خواهند شد. مؤلفه‌ها و متغیرهای سطح خرد در این پژوهش در کنار نگرش خانواده و گروه دوستان مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته‌اند.

مدل نظری متغیرهای مورد آزمون پژوهش



فرضیه‌های تحقیق:

در این تحقیق فرض شده بین متغیرهای مستقل پژوهش، (نگرش مادی، نگرش برابری جنسیتی، نگرش خانوادگی فرد به روابط پیش از ازدواج، نگرش دوستان فرد به روابط پیش از ازدواج، میزان فردگرایی، میزان تجددگرایی، میزان بی‌اعتمادی اجتماعی، میزان پایبندی به اعتقادات و ارزش‌های مذهبی، میزان حضور در فضاهای مجازی، میزان ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی، میزان کاربرد رسانه‌های جمعی) و بی‌رغبتی جوانان به ازدواج رابطه وجود دارد. به این ترتیب پژوهش حاضر ده فرضیه دارد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر مبتنی بر رهیافت کمیّت‌گرا و روش پیمایش است. جامعه‌ی آماری این تحقیق، شامل تمامی افراد واقع در محدوده‌ی سنی ۲۰-۲۴ و ۴۵-۴۹ ساله‌ی ساکن شهر تهران هستند که تعداد آنها ۴۳۲۴۳۳۸^۱ بوده که از بین آنها ۳۸۴ نفر به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ی خود تکمیلی بوده است. در این پژوهش سوالات ۱ تا ۱۰ پرسشنامه در قالب طیف پنج‌گانه‌ی لیکرت^۲، مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای مستقل در این پژوهش عبارتند از: نگرش مادی فرد، نگرش برابری جنسیتی، نگرش خانوادگی به روابط پیش از ازدواج، نگرش دوستان به این روابط، فردگرایی، تجددگرایی، بی‌اعتمادی اجتماعی، ارزشها و باورمندیهای مذهبی فرد، میزان حضور در شبکه‌های مجازی و میزان ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی و میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی. برخی از تعاریف متغیرهای مستقل عبارتند از: نگرش مادی: این مفهوم بر مبنای نگره‌ی دگرگونی ارزشی اینگلهارت به کار رفته است و شامل طیفی از اولویت‌های ارزشی فرد بر مبنای جهت‌گیری‌های مادی تا فرامادی در زندگی تلقی می‌شود و نقشی بسیار مؤثر در ساخت ارزش‌ها و نگرش‌های فرد و هم‌سوگیری‌های اجتماعی او درباره‌ی بسیاری از مسائل اجتماعی (مانند نگرش به روابط پیش از ازدواج) را برعهده دارد. (با کمی دخل و تصرف، اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۶۹) در این پژوهش، ردیف (۱۱-۱۷) پرسشنامه

۱- داده‌های آماری پژوهش حاضر از سالنامه‌ی آماری شهرداری تهران، جمعیت شهر تهران با تفکیک منطقه‌های شهری در سال ۹۲-۹۳ گرفته شده است.

بر مبنای نگرش مادی کدگذاری شده است که به نوعی طیف نگرش مادی تا فرامادی پاسخگو را نشان می‌دهد. میزان فردگرایی فرد: به طور کلی فردگرایی^۱ به معنای تمایل به دنبال کردن اهداف و علایق شخصی در برابر اهداف جمعی بوده، به نحوی که اهداف و علایق، منافع و تمایلات فردی به مراتب مهمتر از انتظارات جمعی و تعهدات جمعی می‌باشد. در این وضعیت فرد احساس تعهد ضعیفی نسبت به جامعه و افراد آن دارد. سنجش فردگرایی از مؤلفه‌هایی همچون ارزش‌های خودخواهانه، شامل لذت طلبی، کاهش پابندی به سنت‌ها، حسابگری، خاص‌گرایی است. همچنین در قالب کاهش احساس مسؤلیت اجتماعی نسبت به دیگران، کاهش احساس تعلق به مذهب و ملیت، کاهش میل به مشارکت اجتماعی سنجیده می‌شود. (شلروف و همکاران^۲، ۲۰۰۷ به نقل از علی تبار و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۲) در این پژوهش مقوله‌ی فردگرایی در قالب ردیف (۲۸-۳۳) بر مبنای میزان فردگرایی کدگذاری شده است. نگرش خانواده به روابط پیش از ازدواج: جهت‌گیری و نظر مثبت یا منفی خانواده‌ی فرد نسبت به معاشرت، دوستی و هرگونه رابطه‌ای پیش از ازدواج اطلاق می‌شود. این مقوله در قالب گویه‌های (۴۸ تا ۵۶) پرسشنامه سنجیده شده است. ارزش‌ها، عقاید و باورهای دینی: ارزش‌ها احساسات ریشه‌داری هستند که اعضای یک جامعه در آنها سهیم هستند؛ همین احساسات غالباً اعمال و رفتار اعضای جامعه را تعیین می‌کند (کوئن^۳، ۱۳۷۰: ۳۹) متغیر ارزش‌ها، عقاید و باورهای مذهبی در این پژوهش با گویه‌های ردیف (۴۸-۵۶) در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) سنجیده می‌شود. میزان بی‌اعتمادی اجتماعی فرد: یکی از مهم‌ترین آفت‌های اجتماعی در هر جامعه فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است بی‌اعتمادی اجتماعی و تمایل به فردگرایی ره‌آورد جریان عظیم نوگرایی است که سازوکار ازدواج و کیان خانواده را متحول می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۴). میزان

1- Individualism

2-SHelrouff

3-Cohen

بی‌اعتمادی اجتماعی در این پژوهش در قالب گویه‌های (۶۵ تا ۷۶) سنجیده می‌شود. میزان ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی: به عقیده‌ی هابرماس در جریان برقراری کنش ارتباطی و فراهم بودن میدان‌های تعامل اجتماعی نیازهای اصیل معینی که تمامی افراد کاملاً آزاد آنها را دارند، توسط هرکس که صمیمانه وارد یک گفتگوی عملی شود ضرورتاً کشف خواهد شد. با گسترش فضاهای تعاملی و محیط‌های باز اجتماعی مانند اتاق‌های چت در اینترنت و شبکه‌های گسترده‌ی اجتماعی مجال برقراری اشکال گوناگونی از کنش‌های ارتباطی فراهم می‌آید و شرایط آرمانی سخن هویدا می‌شود. (اسلوین^۱، ۱۳۸۰: ۷) میزان ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی: در پژوهش حاضر در قالب گویه‌های (۷۷-۸۱) سنجیده می‌شود. میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی: رسانه‌های جمعی بر نگرش‌ها و ادراکات مردم از حقیقت اثر می‌گذارند. گربرنر معتقد است، رسانه‌ها یک تصویر معین و گاه کاذب از حقیقت ارائه می‌دهند تا آنجا که کاربران رسانه، از تفسیر محتوای درست و حقیقی دست برمی‌دارند و پیش از آنکه حقیقت عینی پیرامونشان را دریابند تمایل می‌یابند حقیقی و عینی بودن تصاویر رسانه‌ها (به ویژه تلویزیون و ماهواره) را باور کنند. (گربرنر^۲، ۱۳۸۴ به نقل از تاجبخش و دانشفر، ۱۳۹۲: ۱۱۲) در حیطه‌ی روابط بین دو جنس پیش از ازدواج نیز رسانه‌های جمعی با امکان دسترسی آسان می‌تواند باورها، نگرش‌ها و در نهایت الگوی کنش‌های متقابل بین دو جنس را شکل داده و حتی جوانان را به یک فهم مشترک و باور یکسان نسبت به روابط پیش از ازدواج برساند. فهمی متناسب با ارزش‌های سنتی و باورمندی‌های اصیل اجتماعی یا فهمی نو مغایر با ارزش‌های سنتی فرد. بنابراین رسانه‌ها می‌توانند امکان انتخاب‌های متعدد و متنوع ارتباط با جنس مخالف را به نمایش بگذارند و به فرد گزینه‌های جدیدی ارائه بدهند. میزان ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی در پژوهش حاضر در قالب گویه‌های (۸۲-۸۶) سنجیده می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای بی‌رغبتی به ازدواج (۰/۷۸)، نگرش مادی (۰/۷۸)، نگرش برابری جنسیتی (۰/۷۶)، نگرش خانواده به روابط پیش از ازدواج (۰/۷۹)، نگرش دوستان به روابط پیش از

1-Slevin

2-Gerbner

ازدواج (۰/۷۶)، فردگرایی (۰/۸۱)، تجددگرایی (۰/۸۱)، بی‌اعتمادی اجتماعی (۰/۸۳)، میزان عقاید و باورهای مذهبی فرد (۰/۸۳)، میزان حضور در فضاهای مجازی (۰/۷۵)، میزان ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی (۰/۷۹)، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (۰/۷۸) بود.

یافته‌ها :

در این قسمت به بررسی یافته‌های توصیفی و سپس استنباطی پژوهش حاضر می‌پردازیم. نمونه‌ی آماری پژوهش حاضر ۳۸۴ نفر از جوانان مجرد شهر تهران است. که با توجه به یافته‌های به دست آمده از گروه سنی، تعداد ۱۵۹ نفر از برابر با ۴۱/۴ درصد در گروه سنی کمتر از ۲۵ سال بوده که بیشترین گروه سنی مرتبط به این گروه بوده است و همچنین تعداد ۳۰ نفر برابر با ۷/۸ درصد در گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال قرار داشته و کمترین گروه سنی مرتبط به این گروه بوده است. نما در این متغیر برابر با "گروه سنی کمتر از ۲۵ سال" بوده و مقدار میانه نیز به گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال اختصاص می‌یابد که نشان می‌دهد ۵۰ درصد از پاسخگویان زیر گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال و ۵۰ درصد دیگر بالاتر از گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال بوده‌اند. جنسیت نیز به عنوان یکی از متغیرهای زمینه این پژوهش مطرح گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش تعداد ۱۹۲ نفر از برابر با ۵۰ درصد زن و ۵۰ درصد نیز مرد بوده که تعداد فراوانی این دو گروه با هم برابر بوده است. براساس یافته‌های متغیر تحصیلات تعداد ۱۷۸ نفر از برابر با ۴۶/۴ درصد را در این پژوهش پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که سطح تحصیلات آنها لیسانس بوده و به نسبت سایر گروه‌های تحصیلی از فراوانی و درصد بیشتری برخوردار بوده‌اند. همچنین تعداد ۹ نفر برابر با ۲/۳ درصد را پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که سطح تحصیلات آنها دکتری بوده و فراوانی و درصدشان به نسبت سایر گروه‌های تحصیلی کمتر بوده است. نما و میانه در متغیر تحصیلات برابر با لیسانس بوده که نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی لیسانس بوده‌اند. همچنین میانه نشان می‌دهد ۵۰ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی پایین‌تر از لیسانس و ۵۰ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی بالاتر از لیسانس بوده‌اند.

جدول ۱: بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته: بی‌رغبتی فرد به ازدواج

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	میزان رابطه r	P_value
نگرش مادی فرد نسبت به روابط پیش از ازدواج	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	- ۰/۳۵	۰/۰۰۰
نگرش به برابری جنسیتی به روابط پیش از ازدواج	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	- ۰/۶۴	۰/۰۰۰
نگرش خانواده به روابط پیش از ازدواج	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	- ۰/۴۷	۰/۰۰۰
نگرش دوستان به روابط پیش از ازدواج	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	۰/۶۴	۰/۰۰۰
فردگرایی	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	۰/۵۵	۰/۰۰۰
تجددگرایی	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	۰/۵۹	۰/۰۰۰
بی‌اعتمادی اجتماعی	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	۰/۵۷	۰/۰۰۰
پابندی به ارزش‌ها و عقاید مذهبی	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	- ۰/۷۰	۰/۱۷
ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	۰/۲۹	۰/۰۰۰
میزان حضور در فضاهای مجازی	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	- ۰/۰۶	۰/۲۰
استفاده از رسانه‌های جمعی	بی‌رغبتی فرد به ازدواج	۳۸۴	۰/۴۱	۰/۰۰۰

مطابق با جدول بالا بیشترین معناداری بین متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش به متغیر نگرش دوستان، به روابط پیش از ازدواج و نگرش برابرگرایانه جنسیتی مربوط می‌شود که به ترتیب نگرش دوستان، ارتباطی معنادار و مستقیم با بی‌رغبتی به ازدواج به نمایش می‌گذارد و نگرش برابری جنسیتی نیز رابطه‌ای معنادار و معکوس با متغیر وابسته‌ی پژوهش، یعنی بی‌رغبتی به ازدواج را نشان می‌دهند. کمترین رابطه‌ی معنادار به متغیر ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی تعلق دارد. رابطه‌ی میان دو متغیر عقاید و ارزش‌های مذهبی شخص و میزان حضور در فضاهای مجازی تصادفی بوده و معنادار نیست.

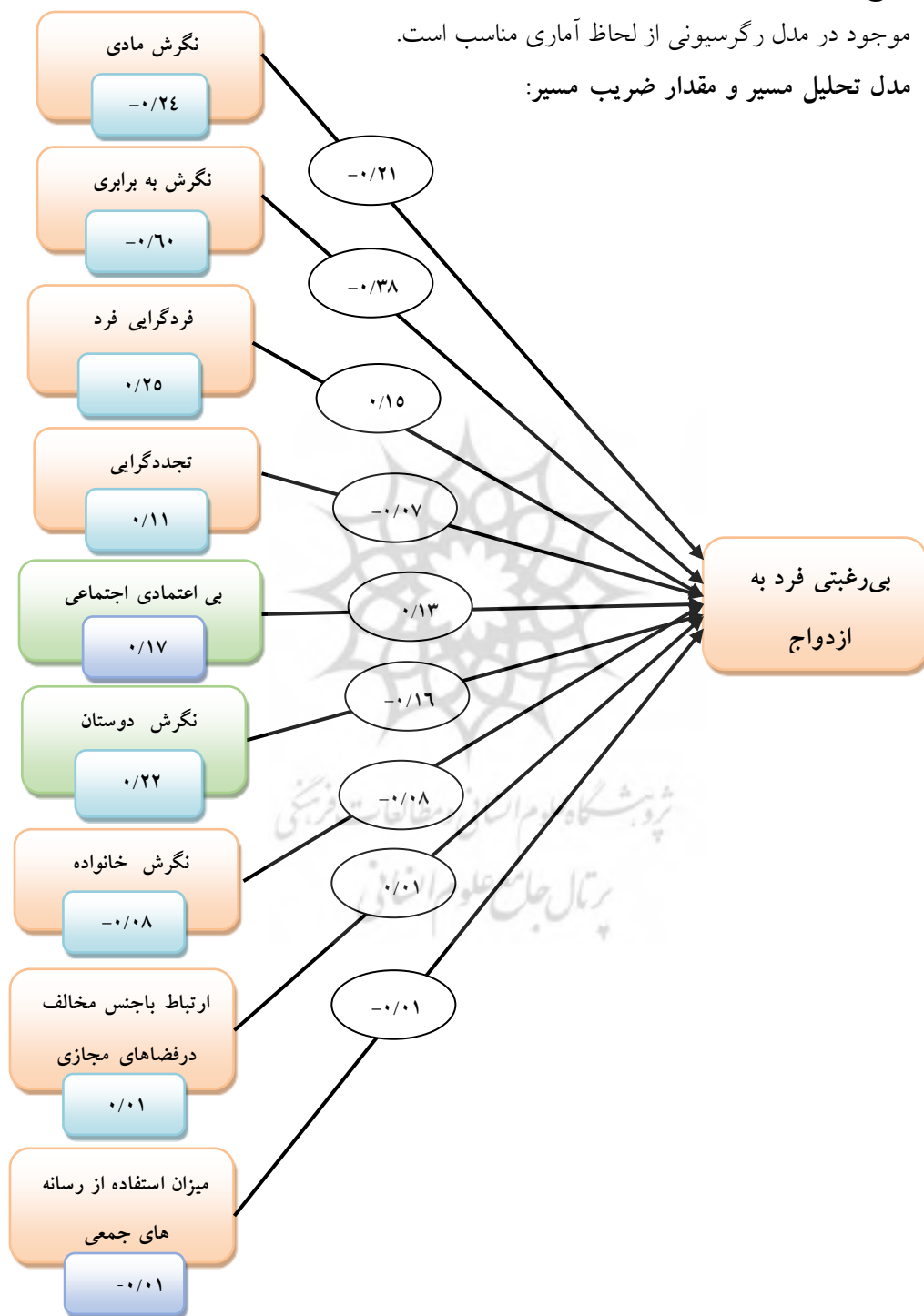
جدول ۲: رگرسیون چند متغیره از عوامل مؤثر بر بی‌رغبتی افراد به ازدواج

متغیر وابسته: بی‌رغبتی افراد به ازدواج							متغیر
sig	T	Standardized Coefficients Beta	sig	F	R square	Multiple R	
۰/۰۰۰	-۵/۵۴۱	-۰/۱۹					نگرش مادی به روابط جنسی پیش از ازدواج
۰/۰۰۰	-۷/۱۰۸	-۰/۳۳					نگرش به برابری جنسیتی
۰/۰۰۹	-۱/۶۸۸	-۰/۰۷					نگرش خانواده به روابط پیش از ازدواج
۰/۰۰۲	۳/۱۷۷	۰/۱۴	۰/۰۰۰	۶۵/۷۴۱	۰/۵۴	۰/۷۴	نگرش دوستان به روابط پیش از ازدواج
۰/۰۰۱	۳/۲۳۶	۰/۱۸					فردگرایی فرد
۰/۱۲	۱/۵۳۲	۰/۰۶					تجددگرایی
۰/۰۰۳	۲/۹۹۴	۰/۱۳					بی‌اعتمادی اجتماعی
۰/۸۵	-۰/۱۸۰	-۰/۰۰۸					ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی
۰/۹۳	۰/۰۸	۰/۰۰۴					استفاده از رسانه‌های جمعی

مطابق با جدول بالا، ضریب همبستگی رگرسیونی از رابطه همزمان متغیرهای مستقل بر بی‌رغبتی فرد به ازدواج برابر با ۰/۷۴ بوده است که نشان می‌دهد رابطه قوی بین متغیرهای مستقل و بی‌رغبتی افراد به ازدواج وجود دارد. مقدار ضریب تبیین برابر با ۰/۵۴ بوده که نشان می‌دهد ۵۴ درصد از واریانس‌های متغیر بی‌رغبتی افراد به ازدواج توسط متغیرهای نگرش مادی فرد نسبت به روابط جنسی پیش از ازدواج، نگرش به برابری جنسیتی نسبت به روابط پیش از ازدواج، نگرش خانواده به روابط پیش از ازدواج و نگرش دوستان، فردگرایی فرد، تجددگرایی، بی‌اعتمادی اجتماعی فرد، عقاید و باورهای مذهبی فرد، میزان حضور در فضاهای مجازی و ارتباطی، ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی و استفاده از رسانه‌های جمعی تبیین می‌شود مقدار F آنوای رگرسیونی برابر با ۶۵/۷۴۱ بوده و

سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۰ بوده که نشان می‌دهد پیش بینی حداقل یکی از متغیرهای موجود در مدل رگرسیونی از لحاظ آماری مناسب است.

مدل تحلیل مسیر و مقدار ضریب مسیر:



جدول ۳: نوع و مقدار اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بر مبنای تحلیل مسیر متغیرها

مقدار اثر علی	نوع اثر علی	متغیرهای مستقل
-۰/۲۱	مستقیم	نگرش مادی فرد نسبت به روابط پیش از ازدواج
-۰/۲۴	غیر مستقیم	
-۰/۳۸	مستقیم	نگرش به برابری جنسیتی نسبت به روابط پیش از ازدواج
-۰/۴۳	غیر مستقیم	
۰/۱۵	مستقیم	فردگرایی فرد
۰/۲۰	غیر مستقیم	
۰/۰۷	مستقیم	تجدد گرایی
۰/۱۱	غیر مستقیم	
۰/۱۳	مستقیم	بی اعتمادی اجتماعی
۰/۱۷	غیر مستقیم	
۰/۱۹	مستقیم	نگرش دوستان به روابط پیش از ازدواج
۰/۲۲	غیر مستقیم	
-۰/۰۸	مستقیم	نگرش خانواده به روابط پیش از ازدواج
-۰/۰۸	غیر مستقیم	
۰/۰۱	مستقیم	ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی
۰/۰۱	غیر مستقیم	
-۰/۰۱	مستقیم	میزان استفاده از رسانه‌های جمعی
-۰/۰۱	غیر مستقیم	

جدول بالا نشان می‌دهد، بیشترین اثر متغیرها بر بی‌رغبتی فرد به ازدواج به ترتیب مربوط به متغیر نگرش به برابری جنسیتی به روابط پیش از ازدواج با مقدار $-0/38$ و اثر غیرمستقیم $0/43$ از اولویت اول برخوردار بوده است. همین‌طور متغیر نگرش مادی فرد نسبت به روابط پیش از ازدواج با مقدار $0/21$ و اثر غیرمستقیم $0/24$ از درجه‌ی اولویت دوم برخوردار بوده است. همچنین متغیر نگرش دوستان به روابط پیش از ازدواج با اثر مستقیم $0/19$ و اثر غیرمستقیم $0/22$ از درجه‌ی اولویت سوم برخوردار بوده است.

همچنین متغیر فردگرایی با اثر مستقیم $0/15$ و اثر غیرمستقیم $0/20$ در درجه‌ی اولویت چهارم برخوردار بوده است. به همین ترتیب متغیر بی‌اعتمادی اجتماعی با اثر مستقیم $0/13$ و اثر غیر مستقیم $0/17$ در درجه‌ی اولویت پنجم و متغیر نگرش خانواده نسبت به روابط پیش از ازدواج با اثر مستقیم $-0/08$ و اثر غیرمستقیم $0/08$ در درجه‌ی اولویت ششم برخوردار بوده است. همچنین متغیر تجددگرایی با اثر مستقیم $0/07$ و اثر غیرمستقیم $0/11$ از درجه‌ی اولویت هفتم برخوردار بوده است. همچنین متغیرهای ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی از درجه‌ی اولویت آخر نسبت به درجه‌ی تأثیرگذاری بر بی‌رغبتی فرد نسبت به ازدواج برخوردار بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری:

دنیای معاصر دنیای پیچیده تحولات و تغییرات است. تا آنجا که بسیاری از ارزش‌ها و باورمندی‌های سنتی که پیش از این نزد مردم از پذیرش و مطلوبیت بالایی برخوردار بود، جایگاه خود را از دست داده و ضرورت وجودی‌اش با تردید مواجه شده است. یکی از این تغییرات الگوی معاشرت و تعامل میان دو جنس است. پدیده‌ای که هم ساختار نهاد ازدواج و هم بافتار نظام خانوادگی و کارکردهای هم سو با آن را متأثر می‌سازد. اگرچه گسترش این روابط با انگیزه‌های متفاوتی همچون برطرف کردن نیاز جنسی تا تجربه‌ی دلبستگی و تعهد اخلاقی نسبت به جنس مخالف، از دوستی‌های صمیمانه تا تبادل احساسات عاطفی نگرانی‌های گسترده‌ای را چه در سطح نظام اجتماعی و مسئولان ذی‌ربط و چه در سطح خانواده‌ها دل‌نگرانی‌های متعددی را به وجود آورده است. بنابراین مطالعه‌ی علمی و بررسی ابعاد همه جانبه آن ضرورت می‌یابد. نتایج حاکی از ارتباط قوی و معکوس میان نگرش مادی پاسخگویان و میزان بی‌رغبتی آن‌ها به ازدواج هست. این اصل مهم در قالب فرضیه‌ی اول ارزیابی شده است. گمان اینگلهارت نگرش مادی به معنای پایبندی بیشتر افراد به ارزش‌های سنتی و به تبع آن الگوهای سنتی همسرگزینی و ازدواج است. در واقع سوبه‌ی نگرش مادی به معنای پیگیری و تأمین

نیازهای مادی و سویی نگرش غیرمادی به معنای تأمین شدن نیازهای مادی و رسیدن به نیازهای فرامادی و آزادی‌های شخصی است. نگرش برابرنگران‌هی جنسی که زنان و مردان را در مناسبات میان دو جنس در موقعیتی برابر و هم‌تا قرار می‌دهد در قالب فرضیه‌ی دوم پژوهش ارزیابی شده است. رابطه‌ی میان بی‌رغبتی به ازدواج و میزان فردگرایی تجددگرایی و نیز بی‌اعتمادی اجتماعی فرد پاسخگو در قالب فرضیه‌های سوم و چهارم و پنجم پژوهش مورد آزمون قرار گرفته است که هر سه در این جامعه‌ی آماری معنادار بوده و این بدان معناست که هرچه توجه به خواسته‌ها، آزادی‌ها و حریم‌های شخصی و نیز ارزش‌های مدرن افزایش می‌یابد، میزان پذیرش مسؤلیت زندگی مشترک و درگیری در الگوهای عملی و عملکردی اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. صرف‌نظر از جنسیت پاسخگویان آن‌ها همسو با یافته‌های نظری بک، گیدنز و به نوعی هابرماس؛ رابطه با جنس مخالف را امری فردی، متعلق به حریم شخصی و مسأله‌ای توافقی میان دو فرد می‌دانند که این مسأله از مهم‌ترین سویی‌های تجددگرایی است. به بیان دیگر تفکیک حریم روابط شخصی از فضاها‌ی عمومی و بازشناسی فضاها‌ی شخصی که فرد با ارزش‌ها، هنجارها و خواسته‌های خود ظاهر می‌شود. مهم‌ترین دستاورد ظهور مدرنیسم و تبیین جایگاه جدید مناسبات بین دو جنس است. نگرش گروه دوستان و خانواده نسبت به روابط پیش از ازدواج و بی‌رغبتی به ازدواج نشان می‌دهد هرچه نگرش خانواده و دوستان به روابط پیش از ازدواج مثبت‌تر بوده، رابطه معنادارتری را با بی‌رغبتی به ازدواج نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد خانواده‌ها نیز با اغماض بیشتری به مناسبات بین دو جنس می‌نگرند ولی هنوز تفکیک محدودیت‌های جنسیتی (اعمال محدودیت بیشتر و احساس خطر بالاتر برای دختران) وجود دارد. گروه دوستان نگرش هم‌گراتری را نسبت به پاسخگویان به مقوله بی‌رغبتی به ازدواج نشان می‌دادند. آن‌ها مناسبات بین دو جنس را در چارچوب تعاملات دو سویه و توافقی میان دو فرد می‌پذیرفتند؛ هرچند آنها نیز زنان و دختران را آسیب‌پذیرتر می‌دانستند. نکته‌ی بسیار مهم در این پژوهش و در این دو فرضیه حساسیت خانواده‌ها و حتی گروه دوستان به مقوله‌ی ارتباط جنسی است. صرف

نظر از محل سکونت پاسخگویان (از نظر باورمندی‌های مذهبی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی) هنوز برای خانواده‌های ایرانی مقوله‌ی برقراری رابطه‌ی جنسی خارج از عرف‌های پذیرفته شده‌ی اجتماعی یک تابو محسوب می‌شود که شکستن آن از سوی دختران بعضاً نابخشودنی است و برای پسران نیز تا حدودی با احتیاط پذیرفته می‌شود. برای گروه دوستان نیز مرز روابط جنسی حریمی است که باید با دقت و احتیاط به آن وارد شد و منوط به توافق طرفین رابطه است. اگرچه در جامعه‌ی آماری حاضر میزان حضور در فضاهای مجازی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی رابطه‌ای معنادار با بی‌رغبتی به ازدواج را نشان ندادند، امکان ارتباط با جنس مخالف با گسترش فضاهای مجازی و حفظ گمنامی افراد در کنار هویت‌سازی‌های گسترده در شبکه‌های مجازی میدان تعاملی نوینی را برای پیدایش الگوهای ارتباطی نزدیک و صمیمانه میان دو جنس پیش از ازدواج فراهم می‌آورد. بدین ترتیب با گسترش فضاهای شخصی و امکان فراهم آوری فضای لازم برای کنش ارتباطی هابرماس الگوی کنش ارتباطی جدیدی شکل می‌گیرد. آنچه مسلم است الگوهای نوظهور روابط پیش از ازدواج در ایران با وجود مغایرت با دستورهای دین اسلام و قوانین کشوری به یک مسأله‌ی جدی تبدیل شده است. بنابراین پژوهش حاضر با در نظر گرفتن جنسیت پاسخگویان و پراکندگی جغرافیایی آنان الگوی غالب بی‌رغبتی دختران و پسران به ازدواج را مطرح می‌نماید. رسانه‌های جمعی به عنوان آژانسهای اجتماعی شدن، شبکه‌های اجتماعی به عنوان فضاهای تعاملی و کنش ارتباطی جدید، نگرش مثبت دوستان و تغییر نگرشی خانواده، احترام به حریم شخصی و فردیت افراد، بی‌اعتمادی به جنس مخالف و داعیه‌ی نوگرایی تبیین بی‌رغبتی به ازدواج را ممکن می‌سازند تا جایی که ضریب همبستگی رگرسیون از رابطه‌ی همزمان نگرش مادی فرد نسبت به روابط جنسی پیش از ازدواج، نگرش به برابری جنسیتی نسبت به روابط پیش از ازدواج، فردگرایی فرد، تجددگرایی، نگرش دوستان به روابط پیش از ازدواج، نگرش خانواده به روابط پیش از ازدواج، عقاید و اورهای مذهبی، بی‌اعتمادی اجتماعی فرد، میزان حضور در فضاهای مجازی و ارتباطی،

ارتباط با جنس مخالف در فضاهای مجازی و استفاده از رسانه‌های جمعی بر بی‌رغبتی فرد به ازدواج برابر با ۰/۷۴ بوده که نشان می‌دهد رابطه‌ی قوی‌ای بین متغیرهای مستقل و بی‌رغبتی افراد به ازدواج وجود دارد. مقدار ضریب تبیین برابر با ۰/۵۴ بوده که نشان می‌دهد ۵۴ درصد از واریانس‌های متغیر بی‌رغبتی افراد به ازدواج توسط متغیرهای مذکور تبیین می‌شود. با توجه به یافته‌های بالا و متغیرهای مطرح شده و نیز با توجه به پیامدهای روابط افسارگسیخته دختر و پسر و اندیشه‌های نوگرایانه‌ای که از سوی رسانه‌های غربی ترویج می‌شود، لزوم برنامه‌ریزی و همیاری و همکاری ارگان‌های گوناگون ضروری می‌نماید. همچنین بازآفرینی فضای گفتمان در میان اعضای خانواده می‌تواند همگرایی بهتر و نتیجه بخش‌تر پیرامون مناسبات بین دو جنس را در جامعه ممکن سازد.

پیشنهادها:

۱- از آنجاکه تغییر ارزشی^۰ نگرشی و نادیده گرفتن الگوهای هنجاری و سنتی در مسیر نوگرایی جامعه‌ی جوان ایرانی اجتناب‌ناپذیر است و در الگوهای همسرگزینی آنها به وضوح دیده می‌شود. بنابراین مطالعه‌ی حاضر به بررسی روابط میان دو جنس به عنوان یکی از عوامل بی‌رغبتی به ازدواج پرداخته و از ورای عوامل موجود آن به تحلیل مسأله پرداخته است ولی انجام مطالعات طولی بر روی یک نسل از جوانان مجرد می‌تواند مسیرآتی آنها اعم از انتخاب همسر یا مجرد قطعی را پس از برقراری رابطه با جنس مخالف ترسیم نماید و به محققان و برنامه‌ریزان جامعه یاری رساند تا بتوانند هدف‌گذاری مناسبی برای آنها داشته باشند.

۲- مقوله‌ی رابطه‌ی جنسی که در حریم روابط بین دو جنس بعضاً هم مورد تغافل عمدی خانواده‌ها می‌باشد و هم مسؤولان ذیربط در فضای سکوت و اهمال‌کاری از آن چشم می‌پوشند این حریم سرشار از ناگفته‌ها می‌باشد. بنابراین انجام پژوهشی با محوریت فراوانی و گسترش روابط جنسی، نگرش دختران و پسران به این مسأله می‌تواند بسیاری از مسائل روابط بین دو جنس را مطرح و بررسی نماید.

۳- به نظر می‌رسد با توجه به نقش کلیدی رسانه‌ها و شبکه‌های جدید ارتباطی باید فرهنگ‌سازی در امر همسرگزینی و رغبت به تشکیل خانواده را سرلوحه‌ی برنامه‌های اجتماعی^۵ فرهنگی بویژه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ی ملی قرار داد زیرا فرهنگ‌سازی صحیح می‌تواند به نهادینه شدن الگوهای مطلوب روابط بین دو جنس منتهی گردد.

۴- یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد بیشتر جوانان پاسخگو نگرشی منفی، محدودکننده و ابزاری به ازدواج دارند بنابراین باید در قالب برنامه‌های آموزشی و هدفمند بر تغییر الگوهای نگرشی آنها متمرکز شد. این برنامه‌ها می‌تواند متناسب با رشته‌های تحصیلی، مکان زندگی و فرهنگ منطقه بومی، ارائه شده به نیازهای آنان پاسخ داده شود.



منابع

- آزادارمکی، تقی و شریفی ثانی، محمدحسین. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران، فصلنامه‌ی خانواده‌پژوهی سال هفتم، شماره‌ی ۲۸، صص ۴۳۵-۴۶۲.
- آزادارمکی، تقی و همکاران. (۱۳۹۱). هم‌خانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، جامعه‌پژوهی فرهنگی، شماره‌ی ۱، صص: ۴۳-۷۷.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اسلوین، جیمز. (۱۳۸۰). اینترنت و جامعه، ترجمه‌ی عباس گلیگوری، تهران: انتشارات کتابدار.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- باومن، زیگموند. (۱۳۸۴). عشق سیال در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، ترجمه‌ی عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
- بک، اولریش. (۱۳۸۸). جامعه در مخاطره جهانی، ترجمه‌ی محمدرضا مهدیزاده، تهران: انتشارات کویر.
- تاج بخش، غلامرضا و دانش فر، محمد. (۱۳۹۲). تلویزیون‌های ماهواره‌ای و نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج، رسانه شماره‌ی ۴، صص: ۱۰۳-۱۱۵.
- جمیلی کهنه شهری، فاطمه و نصرافهانی، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی انتقادی تفاوت‌های جنسیتی جوانان در روابط صمیمانه، فصلنامه‌ی مطالعات زن و خانواده، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، صص: ۴۱-۶۸.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و سلیمانی، زکیه. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان (روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد)، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۵، صص: ۳۳۹-۳۶۴.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۶). خلاصه گزارش طرح مطالعه روابط دختران و پسران، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان، معاونت مطالعات و تحقیقات.

- شوازی، محمدتقی، موحد، مجید و عباسی، علی اصغر. (۱۳۸۶). جوانان، خانواده و جامعه‌پذیری (نقش خانواده در نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت دختران و پسران)، فصلنامه‌ی مطالعات جوانان، شماره‌ی: ۸ و ۹، صص: ۳۳-۴۹.
- علی تبار، سیدهادی و همکاران. (۱۳۹۳). بررسی روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازنشویی، فصلنامه‌ی پژوهش خانواده، شماره‌ی: ۳۸، صص: ۲۶۷-۲۵۵.
- عظیمی هاشمی، مژگان و همکاران. (۱۳۹۴). ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج، مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های استان خراسان، فصلنامه‌ی راهبرد فرهنگ، شماره‌ی: ۲۹، صص: ۱۷۹-۲۰۶.
- غفاری، غلامرضا و حبیب پورگتابی، کرم. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران، فصلنامه‌ی زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره‌ی ۹، شماره‌ی: ۱، صص: ۷-۳۴.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۳). سنخ‌شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده‌ی روابط دوستانه دختر و پسر، مورد مطالعه‌ی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، فصلنامه‌ی مطالعات جوانان، شماره‌ی: ۷، صص: ۹۰-۱۱۳.
- قانع‌راد، امین و عزلتی مقدم. (۱۳۸۹). بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج، فصلنامه‌ی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره‌ی: ۱، صص: ۱۶۱-۹۴.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۰). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). مدرنیت، زمان، فضا، ترجمه‌ی حامد حاجی حیدری، تهران: انتشارات اختران.
- _____ . (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
- Cherlin, A. (1992). Marriage, Cohabitation, Sexual Behavior and childbearing in North America, Pp.223-243 in the peopling of the Americas, vol.3.
- Choe. B.E.Shin.H(1996)State of family research and theory in Korea marriage family.22(1-2),101-135.
- Conger et al. (2004). A family process Model of Economic Hardship and Adjustment of early Adolescent Boys, Child Development, vol 63, No.3. (Jun, 2004).

- Filing, M and Kohen, H.(2012)Working with cohabitations and couples in relationship education. Journal of couple and Relationship Therapy, 14,82-93.
- Hervieu-Leger, Daniel (2001).The two fold limit of secularization. PP112-126.In Peter Berger and the study of Religion. New York, NY:Rutledge.
- Gutierrez-Domenech, M (2008). The impact of the labour market on the timing of Marriage and births in Spain. Journal of population and Economy.21, 83-110.
- Strong, Bryan (2008). The Marriage and family Experiences. Thomson Higher Education.10 Davids Drive, Belmont, C.A 942002-3098.
- Shukla and Kapadia,s.(2007).Sexual Infidelity among Married and Cohabiting Americans. Journal of Marriage and the family62:37-54.
- Wood,G et al.(2002)do marriage and relationships education work? A Meta-analytic study. Journal of Consulting and Clinic Psychology, 46,468-481.

